

# بررسی رابطه باورهای جنسیتی و عملکرد خانواده دانشجویان فارس و کُرد

## An Study on the Relationship Between Gender Believes and Family Function of Kourd and Fars Students

*S. Khani Majd, M.D. \**

صدیقه خانی‌مجد \*

کارشناس ارشد مشاوره خانواده

*T. Pourebrahim, Ph.D.*

دکتر تقی پوراابراهیم

استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی

*J. Fathabadi, Ph.D.*

دکتر جلیل فتح‌آبادی

استادیار و عضو هیأت علمی دانشگاه شهید بهشتی

دریافت مقاله: 89/4/30

دریافت نسخه اصلاح شده: 91/7/10

پذیرش مقاله: 91/8/21

### Abstract

The main purpose of this research was to study comparatively the relationship between gender beliefs and the family function of Kurdish and Fars students. Correlational research method was employed in order to examine the relationship between variables. 200 students from each ethnicity (100 male 100 female) and in total 400 students were selected from university of Kermanshah and Shahid beheshti University based on convenience sampling.

Respondents completed Bem Sex Roles Inventory (Bem, 1974) and Family Assessment Device (Epstein, Bishop, Baldwin, 1983).

### چکیده

هدف پژوهش حاضر بررسی رابطه و مقایسه باورهای جنسیتی و عملکرد خانواده در دانشجویان کُرد و فارس بود. روش تحقیق حاضر همبستگی بود و برای انجام آن از بین جامعه آماری پژوهش (دانشجویان کُرد دانشگاه کرمانشاه و فارس دانشگاه شهید بهشتی) تعداد 200 نفر از هر قومیت (100 دختر و 100 پسر) و در کل 400 نمونه به شیوه نمونه‌گیری در دسترس انتخاب گردید. برای جمع‌آوری داده‌ها از پرسشنامه عملکرد خانواده (ساخته شده توسط اپستین، بالدوین، و بی‌شاب، 1983) و پرسشنامه باورهای جنسیتی (برگرفته از پرسشنامه باورهای جنسیتی بم، 1974) استفاده شد.

\*نویسنده مسئول: کرمانشاه، خیابان شیرین، جنب ترمینال  
تلفن: 0831 2222222 (شماره 1 دستگاه خط ثابت)

Mean of scores for family function subscales and gender roles were computed and compared for independent samples. Also Pearson Correlation Coefficient between family function components and gender beliefs were measured. Findings revealed that there was not any significant relationship between gender roles' beliefs and family function in Fars students. In Kourds students, significant relationship between androgynous belief and problem solving factor was found. Also we obtained significant relationship between the absolute feminine belief and problem solving, affective involvement, affective responsiveness, behavior control, and family general function. Comparison of the family function of Kurdish with Fars indicated significant differences between groups in affective involvement factor. Based on the obtained findings, it can be concluded that national and cultural elements are effective elements that can impact the relationship between gender beliefs and family function. It also can be imagined that Kourds and Fars families are different in affective involvement criterion between their members and showing their interests and sentiments to the other members of the family.

**Keywords:** Gender believes, Family function, ethnicity.

جهت تحلیل داده‌ها از آزمون همبستگی پیرسون و آزمون  $t$  برای مقایسه گروه‌های مستقل استفاده گردید. نتایج نشان داد که در دانشجویان فارس بین مؤلفه‌های پرسشنامه باورهای جنسیتی با هیچ یک از مؤلفه‌های پرسشنامه عملکرد خانواده رابطه معناداری وجود ندارد. در دانشجویان کُرد بین باور دوجنسیتی با مؤلفه حل مسئله و همچنین بین مؤلفه کاملاً زنانه با مؤلفه‌های حل مسئله، آمیختگی عاطفی، پاسخگویی عاطفی، کنترل و همچنین با عملکرد کلی رابطه معنادار وجود دارد ( $p < 0/05$ ). مقایسه عملکرد خانواده دانشجویان کُرد و فارس نشان داد که بین این دو گروه در خرده-مقیاس آمیختگی عاطفی تفاوت معنادار وجود دارد ( $p < 0/0001$ ). با توجه به نتایج به دست آمده می‌توان گفت که مسائل قومی و فرهنگی از عوامل تأثیرگذار بر رابطه باورهای جنسیتی و عملکرد خانواده هستند. همین‌طور تصور می‌شود که خانواده‌های کُرد و فارس در میزان آمیزش بین اعضاء و نشان دادن علائق و عواطف خود به دیگر اعضای خانواده با هم تفاوت دارند.

**کلیدواژه‌ها:** باورهای جنسیتی، عملکرد خانواده، قومیت.

## مقدمه

انسان‌ها، زن و یا مرد به دنیا می‌آیند و جامعه‌ای که فرد در آن زندگی می‌کند از او انتظار دارد که به اعمالی که مخصوص هر جنس است بپردازد. کودکان نقش‌ها را در طی فرایند جامعه‌پذیری یاد می‌گیرند و طبق الگوهای زنانه یا مردانه رفتار می‌کنند (گازیو گلینو، 2008). باورهای جنسیتی مجموعه‌ای از نقش‌های جنسیتی است و شامل ارزش‌ها، رفتارها و علائقی است که هر فرهنگ خاص برای مردان و زنان مناسب می‌داند (حجازی، 1380). عوامل جامعه‌پذیری مثل رسانه‌ها، مدرسه، مذهب، اجتماع همسالان و خانواده وجود دارند که در سال‌های ابتدایی زندگی بسیار تأثیرگذارند (لیندزی، 1994؛ به نقل از ویتمن - مک دونالد، 2006).

بم نظریه‌ای تحت عنوان نظریه طر حواره جنسیتی ارائه داد که در آن از تئوری‌های رشدشناختی و یادگیری اجتماعی استفاده کرد و بر فاکتورهای فرهنگی تأکید نمود. فرض این تئوری این است که افراد براساس طر حواره‌های جنسیتی رفتار می‌کنند.

کودک آماده است بر اساس تعریف‌های فرهنگ از نقش‌های مخصوص به هر جنس، دانش خود را کدگذاری و سازمان‌دهی کند (گازیو گلیو، 2008).

یکی از مهم‌ترین فاکتورها در شکل‌گیری شخصیت فرد، خانواده است. این سیستم روی زندگی افراد تأثیر اولیه داشته و در رضایت از زندگی و سازگاری آن‌ها با جامعه‌ای که در آن زندگی می‌کنند مؤثر است (ترکام، 2005). هر خانواده دارای عملکردی است، مفهوم عملکرد خانواده شامل کیفیت ارتباط بین اعضای خانواده و اطلاعات درباره تلاش اعضا برای کیفیت زندگی است (بالا<sup>1</sup>، 1989؛ به نقل از ترکام و همکاران، 2005). یکی از مسئولیت‌های مهم مرتبط با نقش والدینی و عملکرد خانواده، اجتماعی کردن افراد است و این‌که چه اعتقادی درباره خود و جامعه داشته باشند. تحقیقات نشان داده است که بین عقاید والدین و بچه‌های نوجوان درباره کار، مسائل اقتصادی، سیاسی، مذهبی و همچنین نقش‌های جنسیتی هر جنس، ارتباط وجود دارد (وایت<sup>2</sup>، 1997؛ اگلس<sup>3</sup>، 1990؛ جنینگ و نایمی<sup>4</sup>، 1968؛ ذاکرمن و بارلی<sup>5</sup>، 1979؛ اوکلی<sup>6</sup>، 2001؛ کولیک، 2002؛ دال هوس و فرایدیر<sup>7</sup>، 1996؛ به نقل از کولیک، 2005).

اجتماع منبع مهمی برای یادگیری رفتارهای جنسیتی در افراد است؛ علاوه بر آن والدین و دیگر افراد خانواده هم یک حوزه را تشکیل می‌دهند که بر روی یادگیری جنسیتی افراد تأثیر مهمی اعمال می‌کنند (کنینگام، 2001). بر اساس تئوری جامعه‌پذیری نقش جنسیتی این فرض وجود دارد که زنان و مردان جامعه‌پذیری نقش جنسیتی متفاوتی را دریافت می‌کنند. بنابراین به مردان تلقین می‌شود که نقش ضروری آن‌ها در زندگی کار در بیرون از خانه و نان‌آوری است و به زنان نیز تلقین می‌شود که نقش مهم آن‌ها مراقبت از سلامت خانواده، همسری، مادری و خانه‌داری است (بیم<sup>8</sup>، 1993؛ بونیل<sup>9</sup>، 1998؛ کالوو<sup>10</sup>، 2002؛ کانراد<sup>11</sup>، 2000؛ وود و اگلی<sup>12</sup>، 2002؛ اکواریال<sup>13</sup>، 1992؛ به نقل از کالوو - سالگورو، 2008). هنجارهای جنسیتی به‌وسیله والدین، همسالان، معلمان، مذهب و رسانه‌ها یاد گرفته می‌شوند و تنها با جنسیت بیولوژیکی تعیین نمی‌شوند (گریگان<sup>14</sup>، 1991؛ پلک<sup>15</sup>، 1995؛ به نقل از انگلار - کارلسون، 2004). این نهادها، نقش‌های جنسیتی را به‌عنوان هنجاری که افراد باید از آن تبعیت کنند، نشان می‌دهند و پیروی از این هنجار را پاداش داده و عدم هم‌نوايي با این هنجارها را مورد تنبیه قرار می‌دهند و به این شکل نقش‌های مورد نظر خود را در افراد درونی می‌کنند.

طبق باورهای جنسیتی کلیشه‌ای، مردان ویژگی‌هایی مثل پرخاشگری، واقع‌بینی و استقلال را دارا هستند و زنان درمقابل، ضعیف، منفعل و وابسته به مردان هستند. در واقع کلیشه‌ها تفاوت موجود بین زن و مرد را ناشی از تفاوت زیستی و جنسی آن‌ها بیان می‌کنند. در حالی که تفاوت رفتاری و شخصیتی بین زن و مرد، بیشتر ناشی از فاکتورهای اجتماعی مثل عمل جامعه‌پذیری، پاداش و تنبیه اجتماعی، انتظارات و موقعیت‌های مختلف است (باسو<sup>16</sup>، 1992؛ به نقل از دراست، 2004).

عقاید جنسیتی با ساخت‌های بی‌شماری پیوند دارند و ممکن است برای زندگی حال و آینده نوجوانان پیامد جدی داشته باشند. مثلاً می‌توانند بر اعتماد به نفس، افسردگی، تصور از خود، اختلال خوردن، انجام اعمال ناملايم، رفتارهای شدید انحرافی، رفتارهای جنسی و کلیشه‌های شغلی مبنی بر جنسیت تأثیر داشته باشد (موریسون<sup>17</sup>، 1994؛ چی یو، پروچ و تولمن<sup>18</sup>، 2005؛ بارت و وایت<sup>19</sup>، 2002؛ گرشون و همکاران<sup>20</sup>، 2004؛ شیرر، 2005؛ به نقل از کینیوی، 2008). اگرچه تفاوت‌هایی بین زن و مرد مشاهده می‌شود، اما آن‌ها بیش از آن‌که متفاوت باشند از لحاظ رفتاری و شخصیتی به هم شبیه هستند. برای مثال، بعضی زن‌ها به اندازه مردها پرخاشگر هستند و درجه پرخاشگری بعضی مردها مانند زن‌ها کم است (وارتن<sup>21</sup>، 2005؛ به نقل از، ویتمن - مک دونالد، 2006).

تحقیقات نشان داده که نوجوانان عقاید جنسیتی بزرگسالان را یاد می‌گیرند و با هم‌نوايي همسالان خود در پیروی از هنجارهای جنسیتی، آن‌ها را تقویت می‌کنند (یوربرگ<sup>22</sup>، 1979؛ گلامبوس و همکاران<sup>23</sup>، 1985؛ چامبرز، تاینکل و وانلون<sup>24</sup>، 2004؛ به نقل از کینیوی، 2008). یافته‌ها نشان می‌دهند که رفتارهای والدین براساس جنس فرزندان نشان متفاوت است. این رفتارها شامل تشویق به گرمی و تأثیرپذیری برای دختران و تشویق به استقلال و موفقیت برای پسران است (شیرر، 2007).

الگوهای جنسیتی، ساختار و تجربه‌های خانواده ممکن است به‌وسیله طبقه و قومیت تغییر کنند و عضویت در قوم و طبقه، عقاید نقش جنسیتی را شکل می‌دهد (هالی و والدز، 1996). غزال رید (2003) دریافت که قومیت و مذهب تأثیر زیادی بر روی نگرش‌های نقش جنسیتی زنان دارد و زنان عرب - آمریکایی با اعتقادات مذهبی، نسبت به گروه‌های دیگر بیشتر به نقش‌های جنسیتی سنتی اعتقاد داشتند. با توجه به مطالبی که نشان می‌دهند فرهنگ‌ها و جوامع گوناگون نقش‌ها و خصوصیات زنان و مردان را متفاوت و حتی گاهی مغایر تعریف می‌کنند، پرسش این است که: «آیا تفاوتی بین رابطه باورهای جنسیتی و عملکرد خانواده، در دو جامعه گرد و فارس که دو قومیت متفاوت را تشکیل می‌دهند، وجود دارد؟» (عملکرد خانواده دانشجویان.../۳۹۵)

در رابطه با چگونگی شکل‌گیری مفهوم باورهای جنسیتی نظریه‌های مختلفی وجود دارد. طبق رویکرد زیستی تقسیم وظایف بین زن و مرد، ریشه در تفاوت‌های فیزیکی و ذاتی بین دو جنس دارد. اساس این رویکرد بر این استدلال استوار است که زنان و مردان با تفاوت در خصیصه‌های شخصیتی‌شان رشد می‌کنند. هم‌چنین، در این رویکرد این فرض وجود دارد که تفاوت‌های ذاتی، رفتار زنانه و مردانه را تعریف می‌کنند و شکل می‌دهند. براساس این رویکرد یک‌سری باورهای متفاوت نیز درباره هر جنس وجود دارد، که پایه کلیشه‌های جنسیتی و انتقال حدود فرهنگی هستند. برای مثال زنان، سطوح بالای ارتباط را نشان می‌دهند که شامل گرمی، مراقبت و رابطه با دیگران است و در مقابل، مردان با توجه به خصوصیات شخصیتی، متکی به خود هستند و روی دیگران اعمال قدرت می‌کنند (آرچر<sup>25</sup>، 1996؛ ویلیامز و بست<sup>26</sup>، 1990؛ کامپ بل و مانکر<sup>27</sup>، 1998؛ به‌نقل از کولیک، 2005).

بر اساس تئوری جامعه‌پذیری نقش جنسیتی، این فرض وجود دارد که زنان و مردان جامعه‌پذیری نقش جنسیتی متفاوتی را دریافت می‌کنند. بنابراین به مردان تلقین می‌شود که نقش ضروری آن‌ها در زندگی، کار در بیرون از خانه و نان‌آوری است و به زنان نیز تلقین می‌شود که نقش مهم آن‌ها مراقبت از سلامت خانواده، همسری، مادری و خانه‌داری است (بم، 1993؛ بونیلا، 1998؛ کالوو، 2002؛ کانراد، 2000؛ وود و اگلی، 2002؛ اکواریال، 1992؛ به‌نقل از کالوو - سالگورو، 2008).

به این ترتیب زنان و مردان کلیشه‌های مربوط به زنانگی و مردانگی را براساس جامعه‌پذیری نقش جنسیتی درونی می‌کنند (بونیلا، 1998؛ ماتسوماتو<sup>28</sup>، 1996؛ آنگر<sup>29</sup>، 1990؛ به‌نقل از کالوو - سالگورو، 2008). در فرایند جامعه‌پذیری نقش جنسیتی، مردان و زنان به استانداردها، هنجارها و انتظارات جامعه درباره رفتار زنانه و مردانه باور پیدا می‌کنند. مدل‌های رفتاری اغلب از کودکی به فرد آموزش داده می‌شود و به او گفته می‌شود که چه کاری را باید انجام داده و چه کاری را نباید انجام دهد. مثلاً این که پسرها نباید گریه کنند (لیندزی<sup>30</sup>، 1990؛ گود، بورست و والا<sup>31</sup>، 1994؛ به‌نقل از دراست، 2004).

برای تبیین مفهوم عملکرد خانواده هم نظریه‌هایی مطرح شده است. نظریه سیستم‌ها و نظریه نقش‌ها از جمله آن‌ها هستند. تئوری سیستم‌های خانواده بر روی این مطلب تأکید دارد که افراد نمی‌توانند خود به‌تنهایی زندگی کنند. در واقع افراد با هر رفتاری که از خود نشان می‌دهند بر افراد دیگر تأثیر می‌گذارند. در خانواده یک عمل فرد بر روی دیگران تأثیر گذاشته و به‌وسیله واکنش و پاسخ‌های آن‌ها تقویت می‌شود و این واکنش و پاسخ هم بر دیگر افراد خانواده تأثیر گذاشته و این فرایند ادامه می‌یابد (بیورز و هامپسون<sup>32</sup>، 1990؛ باسزورمنیا - ناگی و اسپارک<sup>33</sup>، 1984؛ مینوچین و فیشمن<sup>34</sup>، 1981؛ به‌نقل از، ساد، 2008).

در نظریه نقش‌ها، هالی (1973)، معتقد است که در حال حاضر خانواده به‌طور فزاینده نظامی یکپارچه از نقش‌های متقابل به حساب می‌آید. بنابراین خانواده در حکم یک واحد، برحسب درجه ادراک نقش و واکنش متقابل میان نقش‌های اعضاء مختلف، به‌طور مناسب یا نامناسب عمل می‌کند. موفقیت یا سازگاری زناشویی را می‌توان بر طبق میزان همخوانی زن و شوهر از نقش‌های اصلی و خاصشان تعریف کرد. دو نقش اصلی، نقش‌های ابزاری و بیانی است. نقش ابزاری متعلق به شوهر، و نقش بیانی بیشتر مربوط به زن است. کار و به‌دست آوردن پول و مسائل بیرون از خانه، نقش ابزاری و حفظ روابط رضایت‌آمیز در درون خانواده و بیان احساسات که بخشی از روابط خصوصی است، نقش بیانی است. اما این کارکردها انحصاری نیست، مثلاً زن ممکن است،

خرید خانه را انجام دهد یا به مدرسه فرزندانش سرکشی کند و یا شوهر امکان دارد به رفع درگیری بین فرزندانش بپردازد یا به همسرش ابراز علاقه کند (به نقل از میرزاجانی، 1386).

تعدادی از مطالعات، ارتباط بین عقاید جنسیتی والدین و فرزندان، و همین‌طور ارتباط بین عقاید جنسیتی با قومیت را دریافته‌اند. برای مثال کانینگام (2001) دریافت که بین تقسیم کار منزل و عقاید نقش جنسیتی نوجوان و باور در مورد تقسیم ایده‌آل در سال‌های بعد رابطه وجود دارد.

کولیک (2005)، در تحقیقی دریافت که بین نگرش‌های جنسیتی مادران و فرزندان صرف‌نظر از جنس فرزندان ارتباط وجود دارد؛ ولی این ارتباط با نگرش‌های جنسیتی پدر و هر دو جنس فرزندان وجود نداشت. علاوه بر این دریافت که مادرها و نوجوانان آسیایی - آفریقایی نسبت به هم‌تایان اروپایی - آمریکایی خود، بیشتر عقاید سنتی درباره نقش‌های جنسیتی دارند. در نهایت، بین نگرش‌های جنسیتی و کلیشه‌های قومی والدین و فرزندان همبستگی وجود داشت.

لوی، کیم و پیرز<sup>35</sup> (2005) (به نقل از پنینگز، 2009) دریافتند که محیط خانوادگی پیش‌بینی کننده رفتارهایی است که افراد از خود نشان می‌دهند. محیط خانواده باید بین ویژگی‌های طبیعی کودک و رفتارهایی که یاد می‌گیرد هماهنگی ایجاد کند. مطالعات گوناگون این انگاره را تأیید می‌کند که جنسیت به تنهایی تجارب انسان‌ها را شکل نمی‌دهد و عوامل دیگری مانند قومیت نیز هم‌زمان می‌تواند زنان و مردان - بلکه زنانگی و مردانگی - را جهت دهد. با در نظر داشتن این که ویژگی‌های یک قوم می‌تواند در عملکرد خانواده متجلی شود، این پژوهش با هدف تعیین رابطه باورهای جنسیتی و عملکرد خانواده در دانشجویان کرد و فارس انجام شد.

## روش

### جامعه، نمونه و روش نمونه‌گیری

از آن‌جا که در پژوهش حاضر دو متغیر اصلی پژوهش یعنی عملکرد خانواده و باورهای جنسیتی بدون هیچ‌گونه دستکاری و در شرایط طبیعی اندازه‌گیری شده و سپس رابطه آن‌ها مورد بررسی قرار گرفته، لذا روش پژوهش حاضر همبستگی است. جامعه پژوهش شامل دانشجویان دانشگاه شهید بهشتی و دانشگاه رازی می‌باشد. نمونه شامل 100 دانشجوی دختر و 100 دانشجوی پسر گرد زبان دانشگاه رازی و هم‌چنین 100 دانشجوی دختر و 100 دانشجوی پسر فارس زبان دانشگاه شهید بهشتی و در مجموع 400 نفر است. از آن‌جا که آماری از تعداد و چارچوب دانشجویان گرد و فارس در دست نبود، لذا در این پژوهش از روش نمونه‌گیری در دسترس استفاده شد.

### ابزارهای پژوهش

پرسشنامه باورهای جنسیتی: بم در سال 1974 پرسشنامه BSRI<sup>36</sup> را ارائه داد که شامل 60 ویژگی بود: 20 ویژگی مردانه، 20 ویژگی زنانه و 20 ویژگی غیرکلیشه‌ای (برزگری، 1386). ظهره‌وند (1385)، پس از اجرای مقدماتی (پایلوت) این آزمون بر روی 147 دانش‌آموز دختر و پسر دبیرستانی شهر تهران، براساس تحلیل عوامل و نظر صاحب‌نظران 16 گویه که با دیگر گویه‌های ابزار، هماهنگی لازم را نداشت حذف کرد، به این ترتیب این پرسشنامه شامل 46 گویه است که ترکیب مناسبی از ویژگی‌های شناختی، اجتماعی و عاطفی می‌باشند (به نقل از برزگری، 1386). حجازی (1380)، در پژوهش خود، پرسشنامه بم را مورد تحلیل عاملی اکتشافی قرار داد و پنج عامل کاملاً مردانه (باور در مورد رفتارهایی که فقط مردانه دانسته می‌شوند)، تقریباً مردانه (باور در مورد رفتارهایی که بیشتر مردانه شناخته می‌شوند)، نقش‌های دوجنسیتی (باور در مورد رفتارهایی که هر دو جنس می‌توانند داشته باشند)، تقریباً زنانه (باور در مورد رفتارهایی که بیشتر زنانه شناخته می‌شوند) و نقش کاملاً زنانه (باور در مورد رفتارهایی که فقط زنانه دانسته می‌شوند) به‌دست آورد. بم در استفاده از ابزار باورهای جنسیتی ضریب قابلیت اعتماد

آن را در بعد زنانگی 0/80 و در بعد مردانگی 0/86 گزارش نموده است. ظهروند (1381)، در پژوهش خود ضریب قابلیت اعتماد پرسشنامه باورهای جنسیتی را 0/81 به دست آورده و در پژوهش (1385) قابلیت اعتماد آن را با استفاده از آلفای کرونباخ 0/88 گزارش نموده است (به نقل از برزگری، 1386).

**پرسشنامه سنجش خانواده (FAD)**<sup>37</sup>: پرسشنامه‌ای 60 سؤالی است که برای سنجش عملکرد خانواده، توسط اپستین، بالدوین، و بی‌شاب در سال 1983 بنابر الگوی مک‌مستر، تدوین شده است (ثنایی، 1379). این آزمون دارای شش خرده‌مقیاس حل مسئله، ارتباط، نقش‌ها، پاسخگویی عاطفی، آمیختگی عاطفی، کنترل رفتار و یک نمره به‌عنوان عملکرد کلی می‌باشد. تمام هفت مقیاس آن همسانی درونی قابل توجهی دارند (آلفای کرونباخ 0/72 تا 0/92). اعتبار و بازآزمایی آن در عرض یک هفته رضایت‌بخش بود (0/66 تا 0/76) (به نقل از موسوی، 1385). با توجه به نتایج تحلیل پرسش‌ها در پژوهش رضایی و میرعنایت (1378)، سؤال‌های ضعیف اصلاح شد و پرسشنامه به صورت 60 سؤالی استفاده شد. در مطالعه آن‌ها، همسانی درونی این آزمون با استفاده از آلفای کرونباخ بین 0/58 تا 0/85 و اعتبار بازآزمایی آن بین 0/42 تا 0/78 به دست آمد که اندکی کمتر از همسانی درونی و اعتبار فرم اصلی آن است. در پژوهش ملک‌خسروی (1382) بین خرده‌مقیاس‌های آن آلفای کرونباخ 0/51 تا 0/94 به دست آمد و هم‌چنین بین تمام خرده‌مقیاس‌ها و عملکرد کلی خانواده همبستگی 0/47 تا 0/97 به دست آمد (به نقل از موسوی، 1385).

#### یافته‌ها

در این پژوهش ما ابتدا به بررسی رابطه باورهای جنسیتی و عملکرد خانواده در دانشجویان فارس پرداخته و سپس این رابطه را در دانشجویان کرد بررسی کردیم. در نهایت به مقایسه عملکرد خانواده در دانشجویان کرد و فارس پرداخته شد. برای بررسی رابطه باورهای جنسیتی و عملکرد خانواده در دانشجویان فارس از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج در جدول 1 آمده است.

جدول 1: نتایج آزمون همبستگی پیرسون برای باورهای جنسیتی و عملکرد خانواده دانشجویان فارس

مؤلفه‌ها	شاخص آماری	حل مسئله	ارتباط	نقش‌ها	آمیختگی عاطفی	پاسخگویی عاطفی	کنترل	عملکرد کلی
باور کاملاً مردانه	همبستگی	-0/006	0/110	0/010	0/086	-0/025	0/038	0/039
	سطح معناداری	0/933	0/121	0/890	0/227	0/728	0/594	0/585
باور کاملاً زنانه	همبستگی	-0/073	0/021	-0/046	0/017	-0/035	-0/095	-0/042
	سطح معناداری	0/307	0/770	0/522	0/812	0/624	0/182	0/553
باور دوجنسیتی	همبستگی	0/064	0/007	-0/007	-0/001	-0/053	-0/050	-0/016
	سطح معناداری	0/368	0/925	0/916	0/987	0/454	0/486	0/817
باور تقریباً مردانه	همبستگی	0/088	0/101	0/008	0/064	-0/001	-0/012	0/042
	سطح معناداری	0/217	0/154	0/916	0/372	0/988	0/868	0/555
باور تقریباً زنانه	همبستگی	-0/090	-0/090	-0/119	-0/065	-0/126	-0/087	-0/118
	سطح معناداری	0/205	0/205	0/093	0/358	0/076	0/222	0/097

پرسشنامه عملکرد خانواده و همین‌طور با عملکرد کلی خانواده رابطه معنادار ندارند. به منظور بررسی رابطه بین باورهای جنسیتی و عملکرد خانواده در دانشجویان کرد از آزمون همبستگی پیرسون استفاده شد که نتایج در جدول 2 آمده است.

همان طور که جدول 2 نشان می‌دهد. در دانشجویان گُرد، مؤلفه‌های کاملاً مردانه، تقریباً مردانه و تقریباً زنانه با هیچ یک از خرده‌مقیاس‌های عملکرد خانواده و عملکرد کلی خانواده رابطه معنادار ندارند. بین مؤلفه دوجنسیتی با خرده‌مقیاس حل مسئله در پرسشنامه عملکرد خانواده، در سطح  $p < 0/05$  رابطه معنادار مشاهده می‌شود. بررسی رابطه باورهای جنسیتی و عملکرد خانواده دانشجویان.../۳۹۹

جدول 2: نتایج آزمون همبستگی پیرسون برای باورهای جنسیتی و عملکرد خانواده در دانشجویان گُرد

مؤلفه‌ها	شاخص آماری	حل مسئله	ارتباط	نقش‌ها	آمیختگی عاطفی	پاسخگویی عاطفی	کنترل	نمره کل
باور کاملاً مردانه	همبستگی	0/131	0/037	0/075	0/086	0/115	0/001	0/079
	سطح معناداری	0/065	0/607	0/292	0/228	0/104	0/991	0/268
کاملاً زنانه	همبستگی	0/162	0/105	0/103	0/181	0/146	0/149	0/166
	سطح معناداری	0/022*	0/140	0/148	0/010*	0/040*	0/035 *	0/019*
باور دوجنسیتی	همبستگی	0/168	0/015	0/099	-0/008	0/006	0/026	0/078
	سطح معناداری	0/017*	0/836	0/165	0/915	0/937	0/717	0/270
باور تقریباً مردانه	همبستگی	0/114	0/028	0/004	0/052	0/069	-0/030	0/036
	سطح معناداری	0/106	0/696	0/956	0/465	0/332	0/678	0/613
باور تقریباً زنانه	همبستگی	0/067	0/086	0/031	-0/004	0/079	0/040	0/072
	سطح معناداری	0/345	0/223	0/660	0/959	0/264	0/571	0/311

به منظور مقایسه میانگین نمرات دانشجویان فارس و گُرد در عملکرد خانواده از آزمون تحلیل واریانس چند متغیره استفاده شد. نتایج در جدول 3 آمده است.

جدول 3: نتایج آزمون واریانس چند متغیره برای مقایسه عملکرد خانواده دانشجویان گُرد و فارس

مؤلفه	گروه‌ها	میانگین	انحراف معیار	مقدار F	سطح معناداری
حل مسئله	کرد	12/25	2/64	1/423	0/234
	فارس	12/54	2/30		
ارتباط	کرد	19/85	3/60	0/043	0/836
	فارس	19/92	3/66		
نقش‌ها	کرد	26/20	4/26	3/47	0/066
	فارس	25/46	3/74		
آمیختگی عاطفی	کرد	16/65	2/78	16/55	0/000*
	فارس	15/52	2/76		
پاسخگویی عاطفی	کرد	13/51	2/82	3/005	0/943
	فارس	13/53	2/81		
کنترل	کرد	20/34	3/21	3/903	0/342
	فارس	20/04	2/99		
نمره کل	کرد	134/45	18/37	1/372	0/242
	فارس	132/30	18/33		

با توجه به جدول 3 می‌توان گفت که بین این دو گروه در خرده‌مقیاس آمیختگی عاطفی در سطح  $p < 0/0001$  تفاوت معنادار وجود دارد. در سایر خرده‌مقیاس‌ها و هم‌چنین عملکرد کلی خانواده با هم تفاوت معنادار ندارند.

### بحث و نتیجه‌گیری

نتایج آزمون همبستگی پیرسون نشان داد که مؤلفه‌های پرسشنامه باورهای جنسیتی با هیچ‌یک از مؤلفه‌های پرسشنامه عملکرد خانواده و همین‌طور با عملکرد کلی خانواده رابطه معنادار ندارند. در بعضی از تحقیقات رابطه باورهای جنسیتی هر یک از والدین با باورهای جنسیتی فرزندان دختر یا پسر بررسی شده است. از آن جمله رولینز (1982)، ارتباط بین باورهای جنسیتی

و تصور از خود مادران و دختران را مورد بررسی قرار داد. نتایج نشان داد که بین باورهای جنسیتی دخترها و مادرها ارتباط معناداری وجود دارد، ولی بین تصور از خود مادرها و دخترها رابطه معنادار وجود ندارد. مطالعه دیگر که در خصوص تأثیر والدین بر نقش جنسیتی نوجوان صورت گرفته، تحقیق اوربومنسکی (1979) (به نقل از خدابخشی، 1380) است. وی پی برد که دو جنسیتی بودن (وجود ویژگی‌های مردانه و زنانه توأم در یک فرد) نوجوانان با درجه بالای سطوح مردانگی و زنانگی پدر و مادر و محیط ارتباط دارد. باید در نظر داشت که در این پژوهش اثر مداخله‌ای متغیرهایی مثل سن، محل سکونت، مذهب، تحصیلات، وضعیت تأهل و... مورد بررسی واقع نشده است. نتیجه به دست آمده نشان می‌دهد که باورهای جنسیتی این گروه می‌تواند با دیگر عوامل مؤثر بر باورهای جنسیتی مثل مدرسه، رسانه‌ها، همسالان و... رابطه داشته باشد و از آن جایی که این نتیجه مربوط به گروه فارس زبان است، تصور می‌شود که شرایط خاص فرهنگی این گروه می‌تواند بر این عدم ارتباط تأثیرگذار بوده باشد. جامعه ما در این پژوهش دانشجویان بودند و از آن جا که دانشجویان در حال تجربه سطح تعامل وسیع‌تر و محیط علمی دانشگاهی هستند، باورهای جنسیتی آن‌ها ممکن است با عواملی متفاوت از سایر اقشار ارتباط داشته باشد.

یافته‌های به دست آمده نشان داد که در دانشجویان کُرد بین مؤلفه دوجنسیتی با خرده‌مقیاس حل مسئله در پرسشنامه عملکرد خانواده، در سطح  $p < 0/05$  رابطه معنادار وجود دارد و هم‌چنین در این گروه مؤلفه کاملاً زنانه با مؤلفه‌های حل مسئله، آمیختگی عاطفی، پاسخگویی عاطفی، کنترل و هم‌چنین با عملکرد کلی در سطح  $p < 0/05$  رابطه معنادار دارد. ولی بین سایر مؤلفه‌های پرسشنامه باورهای جنسیتی با پرسشنامه عملکرد خانواده و همین‌طور عملکرد کلی ارتباط معنادار وجود نداشت. ارتباط باور دوجنسیتی با مؤلفه حل مسئله حاکی از آن است که تفاوت افراد در داشتن و نداشتن باور دوجنسیتی می‌تواند با ویژگی‌ها و توانایی حل مسئله در رابطه با مسائل خانوادگی ارتباط داشته باشد. تحقیق بم و اسپنس، 1975 (به نقل از ظهره‌وند، 1383)، نشان داد که افراد دارای باورهای دو جنسیتی به دلیل پرداختن به رفتارهای مردانه و زنانه و هم‌چنین جابه‌جایی این دو رفتار، سازگاری بهتری دارند. بنابر تحقیق بم و اسپنس می‌توان گفت که احتمالاً افراد دارای باورهای دوجنسیتی در حل مسائل خانوادگی موفق‌تر هستند.

با توجه به ارتباط مؤلفه کاملاً زنانه با مؤلفه‌های حل مسئله، آمیختگی عاطفی، پاسخگویی عاطفی، کنترل و هم‌چنین با عملکرد کلی می‌توان گفت که باور کاملاً زنانه دانشجویان کُرد با چگونگی حل مسائل خانوادگی، میزان آمیزش افراد خانواده، نشان دادن احساسات اعضاء به یکدیگر، کنترل رفتار اعضاء و عملکرد کلی خانواده‌های آن‌ها مرتبط است. این معناداری و تفاوت با نتایج سؤال 1 پژوهش می‌تواند نشان‌دهنده این باشد که متغیرهای گوناگون می‌توانند بر وجود رابطه بین باورهای جنسیتی و عملکرد خانواده تأثیر بگذارند و با توجه به نتایج این دو سؤال تحقیق، قومیت و مسائل فرهنگی می‌توانند از جمله آن‌ها باشند. کولیک (2005)، در تحقیقی دریافت که مادرها و نوجوانان آسیایی - آفریقایی نسبت به هم‌تایان اروپایی - آمریکایی خود عقاید سنتی بیشتری درباره نقش‌های جنسیتی دارند. در نهایت، بین نگرش‌های جنسیتی و کلیشه‌های قومی والدین و فرزندان همبستگی وجود داشت. بنابراین تصور می‌شود که قومیت افراد، با برخی از باورهای جنسیتی آن‌ها رابطه دارد.

با توجه به نتیجه این سؤال می‌توان گفت که باورهای زنانه و دوجنسیتی گروه کُرد با عملکرد خانواده‌های آن‌ها رابطه دارد و این احتمالاً ناشی از شرایط خانوادگی است؛ که این شرایط نیز خود تحت تأثیر عقاید و مسائل قومی و فرهنگی قرار دارند. از آن جایی که باورهای جنسیتی کاملاً مردانه، تقریباً مردانه و تقریباً زنانه در آن‌ها همانند گروه فارس با عملکرد خانواده رابطه‌ای ندارند می‌توان گفت که گروه‌های قومی خاص با وجود این که ممکن است با هم تفاوت‌هایی داشته باشند، ولی تا حدودی هم تحت تأثیر فرهنگ مسلط و عمومی جامعه قرار دارند و از دیگر عوامل تأثیرگذار مثل مدرسه و رسانه‌ها و... نیز تأثیر می‌پذیرند. نتایج آزمون  $t$  به منظور مقایسه میانگین نمرات عملکرد خانواده دانشجویان کُرد و فارس نشان می‌دهد که بین این دو گروه در خرده‌مقیاس آمیختگی عاطفی در سطح  $p < 0/0001$  تفاوت معنادار وجود دارد و در سایر خرده‌مقیاس‌ها و هم‌چنین عملکرد



کلی با هم تفاوت معناداری ندارند. با توجه به نتایج حاضر، می‌توان گفت که تفاوت فرهنگی بین این دو گروه در مؤلفه آمیختگی عاطفی دیده می‌شود، که نشان می‌دهد خانواده‌های دانشجویان گُرد و فارس در میزان آمیزش بین اعضاء و نشان دادن علائق و عواطف خود به دیگر اعضای خانواده با هم تفاوت دارند. این تفاوت می‌تواند ناشی از فرهنگ مسلط بر این خانواده‌ها باشد چرا که خانواده از بدو تشکیل دارای وظایف، نقش‌ها و کارکردهایی است که بخشی از آن وابسته به فرهنگ و بخش دیگر حالت جهان شمول دارد (لی پور 2006؛ به نقل از ابراهیمی، 1385). نتایج پژوهش حاضر می‌تواند مولد تحقیقاتی باشد که ارتباط باورهای جنسیتی را با سایر عوامل مورد بررسی و تحقیق قرار دهند. یکی از محدودیت‌های این مطالعه این است که عملکرد خانواده از خود دانشجویان پرسیده شده است نه از والدین آن‌ها. پیشنهاد می‌شود برای بررسی تأثیر فرهنگ‌های مختلف کشور در این زمینه، در آینده مطالعاتی بر روی فرهنگ‌ها و قومیت‌های دیگر انجام گیرد. سایر متغیرها مانند سن، وضعیت اقتصادی، وضعیت تأهل و... که در این پژوهش کنترل نشده‌اند، مورد ملاحظه قرار گیرند. برای قابل تعمیم بودن نتایج به سایر اقشار، مطالعاتی در این زمینه بر روی سایر اقشار این قومیت‌ها و یا دیگر قومیت‌ها انجام شود.

### پی‌نوشت‌ها

- |                             |                                       |
|-----------------------------|---------------------------------------|
| 1. Bulut                    | 20. Gershon et al                     |
| 2. Witt                     | 21. Wharton                           |
| 3. Eccles                   | 22. Urberg                            |
| 4. Jennings & Niemi         | 23. Galambos et al                    |
| 5. Zuckerman & Bareli       | 24. Chambers, Tincknell, and Van Loon |
| 6. Oakley                   | 25. Archer                            |
| 7. Dalhouse & Frideres      | 26. Williams & Best                   |
| 8. Bem                      | 27. Campbell & Muncer                 |
| 9. Bonilla                  | 28. Matsumoto                         |
| 10. Calvo                   | 29. Unger                             |
| 11. Konrad                  | 30. Lindsey                           |
| 12. Wood & Eagly            | 31. Good, borst & wallace             |
| 13. Echevarrial             | 32. Beavers & Hampson                 |
| 14. Gergan                  | 33. Boszormenyi-Nagy & Spark          |
| 15. Pleck                   | 34. Minuchin & Fishman                |
| 16. Basow                   | 35. Levy, Kim, and Pears              |
| 17. Morrison                | 36. Bem Sex Roles Inventory           |
| 18. Chu, Porche, and Tolman | 37. Family Assessment Device          |
| 19. Barrett and White       |                                       |

### منابع

- ابراهیمی، ج. (1385). مقایسه عملکرد خانواده و سلامت روانی فرزندان در خانواده‌های تک‌همسری و دوهمسری شهرستان خواف پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- برزگری، ح. (1386). بررسی رابطه باورهای جنسیتی و سبک‌های هویت با پیشرفت تحصیلی در دانش‌آموزان دختر و پسر پایه دوم دبیرستان‌های دولتی جنوب تهران. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.
- ثنائی ذاکر، ب. (1379). مقیاس‌های سنجش خانواده و ازدواج. تهران: مؤسسه انتشارات بعثت.
- خدابخشی کولائی، آ. (1380). مقایسه نقش جنسیتی آندروژن با نقش‌های جنسیتی مردانه و زنانه و بررسی رابطه آن‌ها با منبع کنترل درونی و بیرونی و حرمت نفس. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران.
- ظهوروند، ر. (1383). رابطه ادراک از نقش‌های جنسیتی در رضایت از جنس. زن در توسعه سیاست، 2 (2)، ص 125.

حجازی، ا. (1380). باورهای جنسیتی دانش‌آموزان شهر تهران و رابطه آن با رضامندی روانی - اجتماعی (طرح پژوهشی). دفتر توسعه و برنامه‌ریزی امور پرورشی وزارت آموزش و پرورش.  
موسوی، م، محمد خانی، پ، کاویانی، ح. و دلاور، ع. (1385). اثربخشی زوج‌درمانی سیستمی - رفتاری بر کارکرد خانواده و اعتماد به نفس زنان مبتلا به اختلال افسرده‌خویی. خانواده پژوهی، 2 (5)، ص 5.  
میرزا جانی، ز. (1386). رابطه کارکرد خانواده و سبک‌های هویت دانش‌آموزان پایه سوم متوسطه شهرستان ساوه در سال تحصیلی 85-86. پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه شهید بهشتی، تهران.

- Calvo-Salguero, A., García-Martínez, J. M. A., & Monteoliva, A. (2008). Differences between and within gender in gender roles orientation according to age and of education. *Sex Roles, 58*(1), 535-548.
- Cunningham, M. (2001). The influence of parental attitudes and behaviors on children's attitudes toward gender and household labor in early adulthood. *Journal of Marriage and Family, 63*, 111-122.
- Drost, C. M. (2004). *Male gender role conflict in older men*. Unpublished doctoral dissertation, Columbia University, Columbia. <http://books.google.com>
- Englar- Carlson, A. J. (2004). *The relationship between parenting style and gender traits and attitudes*. Unpublished doctoral dissertation, The Pennsylvania state University, Pennsylvania. <https://library.villanova.edu>
- Ghazal R. J. (2003). The sources of gender roles attitude among Christian and Muslim Arab- American women. *Sociology of Religion, 64*(2), 207-222.
- Gazioglu, A., & Esra, I. (2008). Gender, gender roles affecting mate preferences in Turkish college students. *College Student Journal, 42*(2), Part B, p 603-616
- Kenneavy, K. (2008). *Adolescent gender attitudes: Structure and media influence*. Unpublished doctoral dissertation, University of North Carolina, Chapel Hill. <https://cdr.lib.unc.edu/indexablecontent>
- Kulik, L. (2005). Predicting gender role stereotypes among adolescents in Israel: The impact of background variables, personality traits, and parental factors. *Journal of Youth Studies, 8*(1), 111-129.
- Pennings, J. S. (2009). *The effects of a touch intervention on nurturing touch, family functioning, and child behavior*. Unpublished doctoral dissertation, Texas Christian University, Texas. <http://gradworks.umi.com>
- Rollins, J. (1982). The relationship between mother s and daughter s sex role attitudes and self- concepts in three types of family environment. *Sex Role, 8*(11), p 1141-1155.
- Shearer, C. L. (2007). *Gender socialization in the family*. Unpublished doctoral dissertation, College of Health and Human Development, The Pennsylvania State University, Pennsylvania. <http://etda.libraries.psu.edu>
- Sude, M. E. (2008). *Family of origin functioning and the likelihood of seeking romantic partner over the internet*. Unpublished doctoral dissertation, Graduate School of Syracuse University, Syracuse. <http://surface.syr.edu>
- Turkum, A. S., Kizil, T. A., Biyik, N., & Yemen, C., B. (2005). The investigation of University students' perceptions about family functioning. *Educational Sciences: Theory&Practice, 5*, 253-262.
- Valdez, A., & Halley, J. A. (1996). Gender in the culture of Mexican American conj unto music. *Gender and Society, 10*, 148-167.
- Wittman- McDonald, P. (2006). *Versus femininity: Does masculinity lead to battering?* Unpublished doctoral dissertation, The Department of sociology, San Joe's state University. <http://scholarworks.sjsu.edu>